# نقش مساجد در مهندسی فرهنگی جامعه

## فهیمه غلامی زارع زاده

## کارشناسی ارشد رشته زبان و ادبیات فارسی

چکیده

موضوع این مقاله (مهندسی فرهنگی مساجد) و مسئله مورد بحث در این تحقیق، تأثیرات مهندسی فرهنگی مساجد در جامعه می باشد. مساجد جزيي از ريشه‌هاي مهم ديني و فرهنگي به حساب مي‌آيد و افراد را در حیات، بالندگی و پالایش فرهنگی یاری می­رسانند. هم چنین مساجد فواید بسيار مهمي در فرهنگ و مهندسی فرهنگی دارند. مقولة مهندسی فرهنگی مساجد، در مناسبات سیاسی، اجتماعی و اقتصادی و در توسعه و تعمیق ارزش های دینی، نقشی حیاتی و تأثیری شگرف دارد. با نمایان شدن تاثیر شگرف مساجد در بهبود وضعیت های روحی و روانی و مناسبت های اجتماعی افراد جامعه، لزوم رویکرد جدی به مساجد به عنوان یکی از مهم ترین عناصر فرهنگ ساز، ضرورت این مطالعه را ایجاب می نماید. هدف از این بحث نمایان کردن ارزش ذاتی و تاثیر عملی و فراگیر مهندسی مساجد در ساختن جامعه متعالی و نیروی انسانی آگاه، مسئول، خلاق، قانون مدار و ارزش محور است. روش تحقيق حاضر به روش كيفي است كه براساس بررسي كتب، مقالات و مستندات مربوط به مطالعات فرهنگ و مهندسي فرهنگي و بر مبناي ارتباط اين فرآيند با تأكيد بر مساجد انجام شده است. نتیجه به دست آمده این است که اگر مساجد را عامل و كارگزار طرح مهندسي فرهنگي بدانيم، بايد آن را فراگيرترين و گسترده‌ترين نهاد مؤثر در عملياتي كردن طرح مهندسي فرهنگي شناخت. مساجد آن چنان كاركردهايي دارند كه براساس آنها مي‌توانند در اجراي مهندسي فرهنگي آن چنان مؤثر عمل نمايند كه جانشين ديگري براي آنها متصور نيست.

کلید واژه: مساجد، فرهنگ، مهندسی فرهنگی، کارکرد، اجتماع.

مقدمه

مهندسي فرهنگي از ضرورت‌هايي ناشي مي‌شود كه از ذات مقوله فرهنگ برخاسته است. فرهنگ هر جامعه‌اي مجموعه‌اي از اجزا و جنبه‌هاي ثابت و بادوام دارد كه عامل استمرار و تداوم يك فرهنگ است. اين تداوم و استمرار موجب مي‌شود تا هر فرهنگي ويژگي‌ها و ماهيت خود را حفظ كند.

فرهنگ ها، اگرچه جنبه‌ها و اجزاي ثابت و بادوام دارند و به يمن اين اجزا استمرار مي‌يابند، به شدت تغييرپذيرند و به علت ويژگي تغييرپذيري همواره در حال تحول و دگرگوني هستند، تغييرپذيري فرهنگ‌ها و تحول آنها در گذر زمان ناشي از تأثيرپذيريشان از دگرگوني‌هاي اجتماعي است. فرهنگ ها در هر جامعه‌اي به شدت تحت تأثير تغيير و تحولات اجتماعي‌اي هستند كه در آن جامعه به وضوع مي‌پيوندد. تحولات و دگرگوني‌هاي اجتماعي فرهنگ‌ها را تحت تأثير قرار مي‌دهند و تحولات و دگرگوني‌هايي روي مي‌دهد كه در زندگي اجتماعي افراد بشر به وجود مي آيد. از اين رو تحول و تغيير فرهنگ‌ها در كنار اجزاي ثابت و بادوام فرهنگ‌ها از شاخصه‌هاي يك فرهنگ زنده و پويا به حساب مي‌آيد. (زماني، 1385 : 32)

تحول فرهنگي در گذشته‌هاي نه چندان دور بسيار كند بود. زيرا تغييرات و دگرگوني‌هاي اجتماعي بسيار كند و با گذشت زمان‌هاي زياد روي مي‌داد. اما ويژگي بارز جوامع امروزي تغييرات و دگرگوني‌هاي سريع و پرشتاب در عرصه‌هاي اجتماعي است؛ دگرگوني‌هايي كه موجب شده است جوامع با سرعت و شتابي باورنكردني متحول شوند. اين تحول در دوره‌هاي زماني بسيار كوتاه خود را نشان مي‌دهد. دگرگوني‌هاي اجتماعي سريع و پرشتاب، تحولات فرهنگي را نيز سرعت و شتاب بخشيده و باعث شده است تحول پذيري فرهنگ‌ها افزايش يابد و فرهنگ جوامع به سرعت شاهد دگرگوني و نو شدن باشد. (اجلالي، 1379: 51)

در سرزمين ايران اسلامي كه به بركت اسلام رائحه‌ي دل‌انگيز برخاسته از انفاس قدسي‌اش بوي بهشت را به مشام مي‌رساند. اديان جهاني همواره اين باور را در پيروانشان پرورانده‌اند كه رفتن از يك مكان مقدس و مذهبي امري ستودني است و تا حدودي مي‌تواند گره‌هاي اعتقادي و روحاني و يا مشكلات معيشتي و جسماني آنان را برطرف كند (بمانيان و محمودي 1389، 28).

مساجد از جمله پايگاه‌هايي هستند كه قدرت تأثيرگذاري و كاركردهاي آن در ابعاد مختلف زندگي انسان ها به خوبي مشهود است. جایگاه مساجد در ايران گره‌خوردگي تعاليم مذهبي با انديشه و هنر و زندگي ايراني را به نمايش مي‌گذارد. تركيب امتيازاتي چون مراسم و آئين‌هاي مذهبي مي‌تواند افراد را به خود جذب كند و یكي از دلايل اين امر، دستيابي به آرامش روحي و معنوي و اجراي مراسم و آيين‌هاي مختلف مذهبي است. هم چنین مسجد می تواند در فرآيند مهندسي فرهنگي دخالت داشته باشد. در اين نوشتار با تأكيد بر نقش مساجد در جذب افراد جامعه به نماز بررسي و كاركردهاي آن در مهندسي فرهنگي مي‌پردازيم.

تعريف فرهنگ

بعضي از تعاريف فرهنگ بسيار موسع است؛ چنان كه عده‌اي” مجموعه دستاوردهاي مادي و معنوي بشر» را فرهنگ مي‌دانند در اين برداشت،” فرهنگ از دو بعد مادي و معنوي تشكيل شده است. فرهنگ مادي دلالت دارد بر كليه ابزارها و وسايلي كه توسط بشر ساخته شده و چگونگي بهره‌برداري از آنها، و فرهنگ معنوي اشاره به نهادها، باورها، ارزش‌ها و رسوم و ميثاق انسان ها دارد.” (شايان مهر، 1377: 400)

در بعضي از منابع، فرهنگ به عنوان روش و شيوه زندگي و گذران امور تعريف شده است. در اين ديدگاه” فرهنگ به نحوه زيستي گفته مي‌شود كه هر جامعه‌اي براي رفع احتياجات اساسي خود از حيث بقا، ادامه نسل و انتظام امور اجتماعي اختيار مي كند.” (روسك، 1350 : 9) و در تعريفي ديگر” فرهنگ شيوه عمومي زندگي گروه يا گروه‌هايي از مردم است كه عناصري از قبيل عادات، اعتقادات، سنت‌ها، ارزش‌ها و نقاط مشترك آنها را به يكديگر پيوند مي‌دهد و وحدت اجتماعي ويژه‌اي به وجود مي‌آورد.”(محسني، 1365 : 117)

در بعضي از منابع نيز فرهنگ را وجه مميزه و شاخص زندگي نوع بشر و عامل بازشناسي افراد جوامع مختلف دانسته‌اند.” فرهنگ آن قسمت از محيط است كه به دست انسان ساخته شده و تأثير پذيرفته است.” بنابراين” تفاهمي قراردادي است كه در اعمال و ساخته‌ها تجلي مي كند و جوامع را از هم متمايز مي‌سازد.” و يا به تعبيري ديگر” مجموعه رفتارهاي اكتسابي است كه افراد يك جامعه را از جامعه ديگر متمايز مي كند.» (شايان مهر، 1377 : 401) با چنين تعريفي” تمام عوامل مربوط به شناسايي، اعتقاد،‌هنر، اخلاقيات، حقوق، آداب و رسوم و مجموع ديگر امكانات عملي كسب شده به وسيله فرد در اجتماع” (نيم كف، 1349 : 120) فرهنگ ناميده مي‌شود.

بايد فرهنگ را مجموعة به هم پيوسته‌اي از اجزاي غيرمادي عينيت يافته در زندگي اجتماعي دانست كه هر چند داراي اجزاي مختلف است، يك كل واحد را تشكيل مي‌دهد. اين كل واحد به اجتماعات انساني هويت و به زندگي معنا مي دهد. اين مجموعه، اگر چه مادي نيست، با دستاوردهاي مادي ارتباط و پيوند تنگاتنگ دارد و بر آنها تأثير مي‌گذارد و از آنها تأثير مي پذيرد. از سوي ديگر اين مجموعه، هر چند غيرمادي است، ذهني و ادراكي نيست، بلكه در عالم واقع عينيت يافته و در زندگي جاري شده است. بنابراين شيوه و نحوه زندگي كردن را تحت تأثير قرار مي‌دهد و آن را شكل مي‌دهد تا جايي كه به عنوان شيوه و چارچوبه زندگي تلقي مي شود. فرهنگ، گرچه از سوي افراد كسب مي‌شود، خود اكتسابي يا قراردادي نيست، بلكه در يك سيري طبيعي و تكويني شكل مي‌گيرد. فرهنگ زندگي امروز مدرم يك جامعه را هويت مي‌بخشد وشكل و معنا مي‌دهد، اما در گذشته ريشه دارد و جهت آينده را مشخص مي‌سازد. از اين روست كه حلقه وصل امروز با گذشته و آينده به حساب مي‌آيد.

تعريف مهندسي فرهنگي

با اين معنا از فرهنگ وقتي مساله مهندسي فرهنگي به پيش كشيده مي‌شود، دشواري كار خود را نشان مي‌هد؛ زيرا مهندسي اساساً به مقوله‌هاي مادي مرتبط مي‌شود و با آنهاست كه معنا مي‌يابد. وقتي از مهندسي صحبت به ميان مي آيد به اين معناست كه ما تعدادي شي مادي و ملموس را براساس يك طرح چنان در كنار هم قرار دهيم كه مجموعه و ساختمان كلي‌اي كه مورد نظر ماست شكل بگيرد. اين كار در مقوله‌هاي مادي و عيني چندان دشوار نيست؛ چرا كه به راحتي مي‌توان آنها را ديد، محاسبه كرد و از يكديگر جدا كرد و در كنار يكديگر قرار داد يا حتي در يكديگر ادغام بيابد، در مقوله‌هاي مادي و عيني، مهندسي در محدوده مكاني مشخص و در دوره زماني امروز انجام مي‌شود و موادي هم كه به كار گرفته مي شود ملموس و مشخص‌اند. بنابراين مهندسي چندان دشوار نيست، اما مهندسي فرهنگي را نمي‌توان هم تراز با مهندسي مقوله‌هاي مادي و عيني دانست؛ زيرا در اينجا نه مواد مورد استفاده ملموس هستند و نه آن كه محدوده زماني و مكاني موضوع مشخص شده است. براي مهندسي فرهنگي بايد از مجموعه‌اي از عوامل غير ملموس استفاده كرد كه نه مي‌توان آنها را اندازه‌گيري كرد و نه به آساني جابجا نمود، نه مي‌توان آنها را به راحتي از هم جدا كرد و نه مي‌توان در هم ادغام نمود يا در كنار هم قرار داد. اين فعاليت بايد در يك محدوده زماني به وسعت تاريخ يك جامعه و با نگاه به آينده‌اي ناپيدا انجام شود. به علاوه مكان اين فعاليت نيز چندان محدود نيست تا جايي كه گاهي به وسعت كره زمين گسترش مي‌يابد. (پيروزمند، 1382 : 61)

براساس تعريفي كه در اين مقاله از فرهنگ ارائه شد، فرهنگ مجموعه به هم پيوسته‌اي از اجزا و مقوله‌هاي غير مادي و غير ملموس است كه با هم كل واحدي را تشكيل مي‌دهند. اين كل واحد، اگر چه در زندگي امروز افراد هر جامعه صورت بندي خود را نشان مي‌دهد، هم پايي در گذشته و هم دستي در آينده دارد. ارتباط آن با گذشته از طريق اجزاي ثابت فرهنگ، و پيوند آن با آينده به وسيله اجزاي پويا و انطباق‌پذير فرهنگ برقرار مي‌شود. از اين رو هدايت افراد و ماهيت زندگي آنها هم تحت تأثير گذشته است و هم آن كه در صورت‌بندي آينده فرهنگ جامعه مؤثر مي باشد و تحول و دگرگوني فرهنگي را موجب مي‌شود. (مخبر، 1385 : 49)

با اين تعريف مهندسي فرهنگي بدين معناست كه نقشه‌اي از فرهنگ جامعه را طراحي و ترسيم كنيم، اجزاي آن (چه اجزاي ثابت و چه اجزاي تغييرپذير) را از هم بازشناسيم و از جايگاه هر يك از اين اجزا در كليت فرهنگ تعريفي دقيق و روشن به دست دهيم. به علاوه عوامل مؤثر در اجزاي فرهنگ يا كليّت آن را تعريف كنيم و ميزان تأثيرگذاري هر يك از اين عوامل و ميزان تأثيرپذيري هر يك از اجزاي فرهنگ را تا حد امكان مشخص نماييم. گام بعدي آن است كه با استفاده از مجموعه ابزارهاي مادي و معنوي عوامل مؤثر در اجزا يا كليّت، فرهنگ را به گونه‌اي چيده شود كه كليّت، فرهنگ تركيب و صورتي منطبق بر نقشه ترسيم شده به خود بگيرد. با توجه به اين كه فرهنگ دو بخش ثابت و پايدار، و پويا و در حال تغيير دارد، در نقشه ترسيم شده فرهنگي نيز بخش‌هاي ثابت و تغييرناپذير و بخش‌هاي تغيير پذير و تحول‌گرا پيش بيني شده است. در مهندسي فرهنگي بناست ضمن حفظ بخش‌هاي ثابت و تغيير ناپذير، تغيير و دگرگوني بخش‌هاي تغيير‌پذير و پويا به گونه‌اي مديريت و هدايت شود كه از يك طرف امكان منطبق شدن بر شرايط جديدي كه در زندگي به وجود مي‌آيد فراهم شود و از سوي ديگر اين تغيير و دگرگوني به گونه‌اي پيش رود كه به بخش‌هاي ثابت آسيبي وارد نشود. از اين رو مهندسي فرهنگي فعاليتي نيست كه از نقطه‌اي آغاز شود و در نقطه‌اي به پايان برسد، بلكه فعاليتي است مستمر كه بايد همواره امتداد داشته باشد. (زماني، 1385 : 34) تأثير متنوع و متعدد مساجد در جذب افراد جامعه به فرهنگ نمازخوانی موضوع اين مقاله روشن ساختن آن است.

ضرورت مهندسي فرهنگي

اگر تغيير پذيري فرهنگ‌ها را شاخصه و ويژگي فرهنگ‌ها بدانيم، نتيجه‌ي منطقي آن است كه جوامع چاره‌اي جز پذيرفتن تحولات فرهنگي ندارند و بايد همواره شاهد دگرگوني و تغيير و تحول در فرهنگ خود باشند. با توجه به تأثير‌پذيري فرهنگ‌ها از عوامل مختلف و متفاوت، تغيير و تحول فرهنگي مي‌تواند جهتي مثبت يا منفي بيابد. جهت مثبت آن است كه تحولات فرهنگي رشد و تكامل فرهنگ يك جامعه را موجب شود و ضمن كمك به حفظ هويت و موجوديت آن جامعه، راه‌هاي دستيابي به سعادت را براي مردم آن جامعه هموار سازد. اما جهت منفي آن است كه تأثيرپذيري فرهنگ موجب شود تغييراتي در جهت تخريب فرهنگ يك جامعه روي دهد؛ به گونه‌اي كه نه تنها راه سعادت، صلاح و رستگاري را مسدود سازد، بلكه با از بين بردن فرهنگ يك جامعه و در نتيجه مضمحل شدن هويت آن جامعه، به فروپاشي يك جامعه منجر گردد. (پيروزمند، 1382 : 73)

تغيير و تحول فرهنگي امروزه به عنوان يك واقعيت پذيرفته شده است و نمي‌توان و اساساً نيايد مانع آن شد. اما بي‌تفاوت ماندن در مقابل اين تحول و رها كردن آن به حال خود موجب مي‌شود عواملي كه تأثير مثبت دارند، تضعيف شوند و در مقابل عواملي تقويت گردند كه تأثيرات منفي به جاي مي‌گذارند و در نتيجه تحول فرهنگي جهتي منفي بيابد. در حالي كه اگر مسئولانه به تحول فرهنگي نگريسته شود مي‌توان با برنامه‌ريزي و پيگيري تحولات فرهنگي به صورت سازمان يافته و هدفمند جهت مثبتي به تحولات فرهنگي بخشيد. با دقت و بررسي در موضوع تحول فرهنگي مي‌توان با تقويت عوامل كه تأثير مثبتي در مسير تحولات فرهنگي دارند و تضعيف عواملي كه تأثيرات منفي بر تحولات فرهنگي بر جا مي‌گذارند، مسير تحول فرهنگي منجر شود به عامل براي تكامل فرهنگي تبديل نمود. از اين روست كه مهندسي فرهنگي به عنوان يك ضرورت مطرح مي‌شود.(اجلالي، 1379 : 55)

نسبت مساجد با مهندسي فرهنگي

با توجه به ضرورت‌هاي مطالعه درباره مهندسي فرهنگي و عوامل مؤثر در مسير مهندسي فرهنگي، در اين مقاله جايگاه مساجد در مهندسي فرهنگي مطالعه و بررسي شده است. مساجد ابزار و نهادهاي مؤثر در فرهنگ جامعه ايران به حساب مي آيند و حوزه عمل و فعاليت‌ آنها فرهنگ است. از اين رو مستقيم و بي‌واسطه با فرهنگ پيوند و ارتباط دارند. نتيجه اين ارتباط و پيوند برقراري رابطه‌اي متقابل بين نماز و جذب افراد به سوی مساجد است. فرهنگ جامعه بر بستري فعاليت مي‌كند كه از عوامل مختلف مانند اماكن متبركه ايجاد شده است. پس اين اماكن به شدت بر فرهنگ رايج در جامعه‌ي هدف تأثير مي گذارند؛ به گونه‌اي كه اساساً خارج از چارچوب‌هاي فرهنگي جامعه نمي‌توانند عمل نمايند. آنها، تأثيرات قدرتمندي دارند و فرهنگ جامعه را تحت تأثير خود قرار مي‌دهند. با توجه به اين واقعيت بايد گفت تأثير مساجد در جذب افراد به فرهنگ نمازخوانی داراي كاركردهاي مختلف است.

تبديل مساجد به قطب فرهنگي

از جمله وظايف ديگر تبديل مساجد به قطب فرهنگي است؛ مسلما اولين لازمه تبديل مساجد به قطب فرهنگي، معرفي و شناساندن فواید نماز به مردم و تبيين آثار و بركات و آداب نمازخوانی از اين پشتوانه عظيم اعتقادي و فطري به فرهنگ نمازخوانی، می ـواند اين اماكن مقدس و نوراني را تا جايگاه يك قطب فرهنگي ارتقاء داد.از جمله مواردي كه زير بناي تبديل مساجد به قطب فرهنگي است و نيز بسيار بدان تأكيد شده است عمران و آباداني مساجد است.

كاركردهاي مساجد را كه در مقوله مهندسي فرهنگي اهميت به سزايي دارند، که مي‌توان به شرح زير خلاصه كرد:

1- نقش و كاركرد مساجد در بعد فرهنگي

مساجد در ادوار مختلف تاريخي نه تنها منابع غني فرهنگي بلكه نمايشگاهي از تجلي برخي از مهم‌ترين عناصر فرهنگي بوده‌اند. به طوري كه با بررسي شاخصه‌هاي فرهنگي به كار رفته در اين اماكن مي‌توان نمودار صعود و افول مظاهر و مفاهيم فرهنگي را ترسيم نمود. اين نهاد ديني و فرهنگي نه تنها بر فرهنگ مؤثر بودند. اجتماع دسته‌هاي عزاداري در ايام محترم و مناسبت‌هاي ديني، برگزاري جشن دراعياد و مواليد معصومين(ع)، از مناسك ديني و اجتماعي متداول در مساجد است (اصفهانيان و ديگران، 1385، ص 179).

به طور خلاصه مهم‌ترين كاركردهاي فرهنگي مساجد عبارتنداز:

1ـ انعكاس سنت‌هاي اصيل ايراني – اسلامي.

2ـ بسترسازي مناسب و نظامند براي تبيين نقش هنر در تعالي جايگاه دين.

3ـ معرفي اين اماكن به عنوان اصلي‌ترين منبع و تجلي گاه هنر به جهانيان.

4ـ خدمت رساني عمومي و اجتماعي با توجه به ظرفيت‌هاي مختلف.

5ـ تزئين و آرايش هنري در خدمت هدف تعالي روحي مؤمنان (ماسالي، 1385، ص 155).

2-نقش و كاركرد مساجد در بعد اجتماعي

ايجاد هويت هميشه مستلزم ساخت مكان است. پيوند مردم با مكان، تصويري است از پيوستگي فرد با جامعه يا درك ما از چيستي به عنوان يك وجود اجتماعي. فرد، هويت خود را با اعضايي كه پيوستگي معنايي بيشتري با آنها دارد باز مي‌يابد. چرا كه در آنها ويژگي‌هاي مشتركي وجود دارد. به طور مثال، افراد به دنبال نوعي تجربه عرفاني و معنوي هستند كه آنها را از دنياي بدون معنويت بگذراند و به دركي از ديناي مقدس برساند. امري كه بري نارد آن را” بيداري روح” مي‌نامد چرا كه عميق، عجيب و تأمل برانگيز است (تيموتي و اولسن، 1392: 41ـ46).

مكان‌ها از دو جهت اهميت مي‌يابند: نخست آن كه هر مكاني بعد اجتماعي دارد؛ اين بدان معناست كه مي‌توان مكان را پلي ارتباطي ميان افراد و جامعه دانست. نقش مكانها در تعاملات اجتماعي و فراهم آوردن محلي براي ارتباط افراد با يكديگر است. چرا كه ابعاد محيط اجتماعي بر يكديگر تأثير مي‌گذارد و رابطه متقابل معناداري را ايجاد مي‌كند، به ويژه انجام فعاليت‌هاي خاص در يك مكان، به آن شخصيت مي‌بخشد و بازخورد اين فعاليت‌ها در اجتماع است كه امكان را منحصر به فرد مي‌كند. جنبه ديگر اهميت مكان مفهوم نهفته زمان در كالبد آن است؛ وجهي كه به مكان ارزش يادبودي مي‌بخشد و اسباب ماندگاري در حافظه فردي و جمعي را فراهم مي‌سازد (تيموتي و اولسن، 1392: 34).

3-كاركرد برجسته‌سازي

يكي از ويژگي‌هاي مساجد؛ آن است كه مي‌توانند با تمركز بر روي يك موضوع آن را به موضوع در خور توجه و اغماض‌ناپذير تبديل كنند. با توجه به اين ويژگي، مساجد مي‌توانند با تمركز بر روي يك ارزش فرهنگي آن را به ارزشي اغماض‌ناپذير تبديل نمايند. از اين رو اين ‌توان را دارند كه ارزشي را در نزد مردم جامعه به ارزشي معتبر تبديل كنند.

در جريان مهندسي فرهنگي، با توجه به پويايي و تغييرپذيري فرهنگي، بخشي از تلاش‌ها بر روي اين مسأله متمركز است كه در مسير اين تغيير و تحول بعضي از ارزش‌ها مورد پذيرش مردم واقع شود و در عين حال از پذيرفته شدن بعضي از ارزش‌ها جلوگيري شود. (زماني، 1385: 42)

در اين زمينه مساجد؛ سهم بسزايي دارند. اين اماكن با تمركز بر روي يك ارزش يا تحول فرهنگي و اهميت بخشيدن به آن، توجه مردم را به سوي آن جلب مي‌كنند. پس از جلب توجه نيز با تأكيد بر اهميت، آثار و پيامدهاي آن، افراد جامعه را به سمت پذيرفتن آن تحول و ارزش ايجاد شده ترغيب مي‌نمايند. در نتيجه اين تشويق و ترغيب است كه ارزش‌هاي ايجاد شده را مردم مي‌پذيرند و اين ارزش‌ها به بخشي از فرهنگ جامعه تبديل مي‌شود.

4-كاركرد پالايشي

در مسير مهندسي فرهنگي ممكن است بخشي از فرهنگ يا بعضي از ارزش‌هاي فرهنگي تأييد گردد، اما بخشي از فرهنگ يا بعضي از ارزش‌هاي فرهنگي بي‌اعتبار و نامناسب معرفي شوند. در اين صورت در مسير مهندسي فرهنگي ممكن است بخشي از فرهنگ حمايت شود تا تقويت گردد، اما از بخش ديگر نه تنها حمايت نشود، بلكه براي تخريب و از بين بردن آن نيز تلاش شود. در چنين شرايطي لازم است آن بخش از فرهنگ كه از آن حمايت مي‌شود به مردم جامعه معرفي، و با بزرگ نمايي و اهميت بخشيدن به آن در جهت تقويت و استقرار آن اقدام گردد، ولي آن بخش كه مورد حمايت نيست به حاشيه رانده شود و ناديده گرفته شود تا از ذهن‌ها پاك و فراموش گردد. در اين مسير در واقع نوعي پالايش فرهنگي انجام مي‌گردد. (بنيانيان، 1385: 22)

در پالايش فرهنگي نيز نقش مساجد بسيار مؤثر است. اين اماكن با تبليغ و ترويج ارزش‌هاي مورد حمايت، آنها را عمومي و به عنوان فرهنگ عمومي تثبيت مي‌كنند. حال آن كه ارزش‌هاي نامقبول را يا مسكوت مي‌گذارند تا به فراموشي سپرده شود يا با مذمت كردن آنها از اين كه مردم اقبالي به آنها نشان دهند جلوگيري مي‌كنند و در نتيجه از تثبيت و تداوم آنها در جامعه ممانعت مي‌نمايند. با گزينش و پالايشي كه در نتيجة عملكرد مساجد در چارچوب طرح مهندسي فرهنگي انجام مي‌شود، اين امكان به وجود مي‌آيد كه امر مهندسي با قدرت پيش رود تا اهداف خود را تحقق بخشد.

5-كاركرد سياسي

يكي از كاركردهاي مساجد، كاركرد سياسي آن مي‌باشد. در رويدادهاي بزرگ سياسي كشور، مساجد نيز اقدام به انجام اموري مي كند كه موجب اتحاد مردم و حل مشكلات شود. از جمله اجراي برنامه‌هايي در ارتباط با حوادث و مناسبات سياسي كشور همانند 22 بهمن، روز قدس، اجراي همايش‌هاي مختلف براي رويدادهاي مهم، كمك به انجام انتخابات سراسري به عنوان حوزه‌ي انتخابيه و …

6-كاركرد رواني

دين كوششي است براي برخورد با مسائل و مشكلاتي كه با طرق ديگر نمي‌توان از پس آن برآمد. دين در اين زمينه مانند سپري در برابر ناكامي و مشكلات قرار مي‌گيرد. انسان همواره در زندگي خود با مشكلاتي روبرو مي‌شود كه در برخي موارد، قادر به حل آنها نيست و لذا دچار مشكلات و پريشاني‌هايي مي شود كه روح و روان او را تحت تأثير قرار مي‌دهد. در اين موقع است كه انسان به سراغ دين مي‌رود تا پاسخ اين سوالات را از آن جا بگيرد و به رفع آنها بپردازد.

مساجديك مكان مقدس محسوب مي‌شوند و نمازخواندن آنها نيز، يك امر مقدس. مردم با حضور در مساجد و شركت در مراسم آنها، با آزاد كردن هيجانات و احساسات خود، به آرامش روحي و قلبي مي‌رسند و به اصطلاح سبك مي‌شوند. نمازگزار احساس مي‌كنند كه يك قدرت مافوق بشري به آنان را در مشكلات و رنج‌هاي زندگيشان و جهان ديگر، تنها نمي‌گذارد. لذا براي افزايش اين عنايت و توجه، در اين مساجد حضور پيدا مي‌كنند و با آرامشي كه بدست مي‌آورند با مشكلات خود برخورد كرده و آن را، يا حل مي كنند و يا در برابر آن صبر مي‌كنند و معتقدند كه قدرت مافوق پروردگار، به آنان در اين راه كمك خواهد كرد.

افراد با حضور در مساجد و شرکت در مراسم مختلفي كه در طور سال برگزار مي شد تحت تأثير قرار گرفته، پايه اخلاقي‌شان افزايش يافته و اقدام به كارهاي خير همانند نذري دادن يا كمك مالي مي‌كنند و در جهت كمك به همنوعان خود بر مي‌آيند.

7-كاركرد مديريتي و اجرايي

همواره براي اداره‌ي يك سازمان و نهاد، يا برگزاري يك مراسم، به كادري مديريتي و اجرايي نياز مي‌باشد كه بتوانند آن نهاد يا سازمان را اداره كرده و برنامه‌ها و تصميمات آن را اجرايي كنند و در جهت رسيدن به اهداف آن قدم بردارند.

مساجد به دليل گستردگي فعاليت‌هايش در زمينه‌هاي مختلف، باید از مديراني مجرب و كاردان براي اداره آن و انجام امور مربوط به آن استفاده کند. اين امر موجب می شود كه فوايد و كاركردهاي مساجد به شهر و مردم شهر نيز برسد و اين مديران در زمينه‌هاي مختلف شهري نيز با مسؤولين شهرستان همكاري و در جهت برطرف شدن مشكلات شهر تدابيري را بيانديشند و انجام دهند. از طرف ديگر با دادن مديريت برخي قسمت‌ها و امور مساجد به جوانان (دركنار مديران با تجربه) در جهت تربيت مديراني توانمند و متعهد قدم بردارد.

8- كاركرد آموزشی، تفريحي و اوقات فراغت

در صورت يكه آموزش اتفاق نيفتد، امكان مهندسي فرهنگي نيز به وجود نخواهد آمد. از اين روست كه در مهندسي فرهنگي به شدت به آموزش افراد جامعه نيازمنديم. از طريق آموزش هم مي‌توان بخش‌هاي ثابت فرهنگ را از نسلي به نسل ديگر منتقل كرد و از اين طريق امكان تداوم فرهنگي را فراهم آورد، و هم مي‌توان بخش‌هاي جديدي را كه به خاطر پويايي فرهنگ به آن اضافه مي‌شود به افراد جامعه آموزش داد و زمينه‌اي را فراهم نمود كه اين بخش‌هاي جديد به جزئي از فرهنگ تبديل شود. در شرايطي كه آموزش يكي از ضروريات در اجراي مهندسي فرهنگي است سازمان‌ها و نهادها و مجموعه ابزارهايي كه امكان آموزش را فراهم مي‌كنند اهميت بسيار مي‌يابند. (زماني، 1385، ص 36)

معاونت فرهنگي مساجد همواره در طول سال و به ويژه تابستان را می تواند اقدام به راه اندازي كلاس‌هايي متنوع و متناسب با سلايق سنين مختلف ‌كند تا از اين طريق اوقات فراغت مردم و بخصوص كودكان و جوانان را با فعاليت‌هاي مناسب پر كند. اين امر به خودي خود موجب مي‌شود تا بسياري از جوانان در اين كلاس‌ها حاضر شده و لذا وقت خود را صرف برنامه‌هاي نامطلوب نكنند.

كتابخانه‌ي مساجد نيز با در اختيار داشتن محيطي مناسب و كتاب‌هاي متنوع، همواره می توانند فضايي مناسب را براي تمام اقشار جامعه فراهم كند.

نتيجه‌گيري

مساجد می تواند موجب گسترش مهندسی فرهنگی عرصه جذب افراد جامعه و انسجام و وحدت جامعه مسلمين شود. با توجه به نقش عظیم مساجد در ترقیب افراد جامعه به نماز بر ما واجب و ضروري است كه این اماکن مقدس به خوبي مورد تكريم و بزرگداشت قرار گيرد و بتوان با سياستگذاري صحيح و برنامه‌ريزي‌هاي منطقي مساجد را به قطب فرهنگي و پايگاه نشر و گسترش فرهنگ اسلامي در داخل و خارج كشور تبديل نمود.

بنابراين مساجد در كنار هم و فراهم نمودن جو فرهنگی – مذهبي و برنامه‌ريزي متناسب در اين زمينه مي‌تواند به ارائه و توسعه سبك زندگي و فرهنگ ناب محمدي انجامد. در بررسي رابطه بين مهندسي فرهنگي و مساجد، آن چه مشخص مي‌باشد اين است كه اين اماكن يكي از مهم‌ترين حلقه‌هاي واسط بين مردم و طراحان مهندسي فرهنگي هستند. طراحان مهندسي فرهنگي طراحي نقشه كلان فرهنگي را بر عهده دارند، اما براي عملياتي و اجرايي شدن اين طرح كلان فرهنگي در سطح جامعه به شدت به ابزارهاي واسط و رابط بين خود و مردم نيازمندند. مساجد يكي از اين ابزارها هستند. از طريق اين اماكن آن چه طراحي شده است به درون اجتماع راه مي يابد. مساجد با آموزش، توزيع و تعميم ارزش‌هاي فرهنگي، از يكسو و پالايش فرهنگ جامعه از سوي ديگر، امكان اجراي طرح‌هاي كلان مهندسي فرهنگي را در جامعه فراهم مي‌سازند. بنابراين مساجداگر چه خود طراح روند مهندسي فرهنگي نيستند، آن چنان سهم بزرگ و مهمي در عملي شدن اين جريان دارند كه اساساً تحقق اهداف مهندسي فرهنگي بدون آنها ناممكن است.

گسترش و توسعه مساجد فرصت‌هاي زيادي براي انتقال فرهنگ ايجاد مي‌كند، تا چنين اثري در كاهش تنش‌هاي سياسي و اجتماعي، پيشداوري‌ها و نزديكتر شدن افكار و اعتقادات بسيار مؤثر است و به يكپارچگي، همگرايي اجتماعي – فرهنگي منجر خواهدشد.

پيشنهادات

بر اساس يافته‌هاي تحقيق و اهميت و تأثير مساجد در فرآيند مهندسي فرهنگي در ابعاد مختلف، در جهت افزايش فرهنگ نمازخوانی از سوي شهروندان، پيشنهادات زير قابل ارائه است:

آموزش خانواده

ـ برگزاري جلسات آشنائي با آداب نمازخوانی و فواید رفتن به مساجد و اثرات آن در مدارس؛

ـ تشويق فرزندان با هداياي حاوي مطالب مربوط به کارکردهای مساجد و تأثیرات نمازخوانی مانند: كتاب، لوح فشرده و برچسب‌هاي تشويق و لوازم التحرير؛

ب ـ آموزش فرزندان در مجامع فاميلي و دوستانه: مجامع و مجالس گفتگوهاي فاميلي مي‌تواند محملي مناسب براي آموزش ارزش‌هاي فرهنگي و مذهبي چون ولايت‌مداري، نمازخوانی و … باشد. اقوام و خويشان مي‌توانند به هر بهانه‌اي به دور از هر گونه حب و بعض دور هم جمع شده و به جاي صحبت‌هاي لغو و يا غيبت از ديگر اعضاي فاميل با برگزاري جلسات با نشاط گفتگو خصوصاً محافل فرهنگي و اخلاقي، اين مفاهيم را در فرزندان خود پرورش دهند؛

صدا و سيما

ـ تهيه و پخش فيلم‌هاي سينمايي، پويانمايي، انيميشن و … مناسب جهت مقاطع سني به ویژه كودكان و نوجوانان مختلف در راستاي ترويج فلسفه و فوايد رفتن به مساجد و نمازخوانی ؛

ـ برنامه‌هايي در خصوص آشنايي تمامي اقشار جامعه با فلسفه و فوايد نمازخوانی؛

وزارت علوم، تحقيقات و فناوري:

ـ در نظر گرفتن مجموعه مباحثي از فلسفه و فوايد نمازخوانی در سر فصل‌هاي دروس دانشگاهي تمامي رشته‌ها به منظور آشنايي تخصصي جوانان؛

ـ برنامه‌ريزي براي شناسايي استعدادهاي درخشان و جذب متخصصان ايراني داخل و خارج از كشورو معرفي آنها به مراكز تحقيقاتي جهت بهره‌گيري از قابليت و استعداد آنها در مطالعات راهبردي فلسفه و فوايد نمازخوانی در كشور؛

منابع

1-اصفهانيان، كريم و ديگران، (1385)، اسناد تاريخي خاندان غفاري، تهران: بنياد موقوفات دكتر محمود افشار.

2-بمانيان، محمدرضا و هادي محمودي نژاد، 1389، مباني برنامه‌ريزي و توسعه گردشگري روستايي، انتشارات هله، چاپ دوم.

3-اجلالي، پرويز (1379)، سياست‌گذاري و برنامه‌ريزي فرهنگي در ايران، تهران: نشر آن.

4-بنيانيان، حسن (1385)، مهندسي فرهنگي از نظر تا عمل، تهران: همايش ملي مهندسي فرهنگي.

5-پيروزمند، عليرضا (1382)، تعيين الگو و طبقه‌بندي موضوعات در مهندسي فرهنگي كشور، تهران: دبيرخانه شوراي عالي انقلاب فرهنگي.

6-تيموتي، دالن. جي و دنيل. ج اولسن، (1392)، گردشگري، دين و سفرهاي معنوي،‌تهران: جامعه شناسان.

7-روسك، جوزف (1350)، مقدمه‌اي بر جامعه‌شناسي، ترجمه احمدرضا عزوي‌زاد، تهران: مؤسسه انتشارات جهاد دانشگاهي.

8-زماني، حسين (1385)، ضرورت طراحي نظام مهندسي فرهنگي جهت اعتلاي نظام اسلامي، تهران: همايش ملي مهندسي فرهنگي.

 9-شايان مهر، عليرضا (1377)، دائرة المعارف تطبيقي علوم اجتماعي، تهران: انتشارات كيهان.

10-محسني، منوچهر (1365)، جامعه شناسي پزشكي، تهران: طهوري.

11-مخبر، محمدرضا (1385)، نقش مهندسي فرهنگي در كاهش آسيب‌هاي اجتماعي، دو هفته نامه مهندسي فرهنگي شوراي عالي انقلاب فرهنگي، شماره 5، دي ماه.

12-ماسالي، كياوش، (1385)، هنر موسيقي در فلسفه شوپنهاور، تهران: شفق.

13نيم كف، برن (1349)، زمينه جامعه شناسي، ترجمه اميرحسين آريان پور، تهران: نشر آوازه.